


ترانه ، ترانه ، الهی عشق دعا طافه ، ترانه .

راستی که شامهارتا در کعبه است . نزدانم در غربت غریب آب چگونه تا صبح خیزانم
کنم ظاهر شدید . و من تازه می دردمند توانم خودم را ، دردهایم را ، رازها را زنده کنم را بدون انگش . و
چه در هر به شد غزال دهنر . زخم را التیام بخشید و در دست هر امیدم خون تازه ای دهنید .

باز عکاسی برایتان فرستادم . عکسهای غزال است . او همچون بیدار و شکیباست ، آنقدر
که انتظار میرفت . عکس ۸ مارس را مستقیماً از دست خبرنگار شما گرفته ام که ضمیمه است .

رفیق مهدی فتاح پور دن دن و لائیت . که در تنس میدارم . برلین خاطره انوش (نوشه دن لطف)
را میزنه که کنه . (دسته و پیشش بدی انوش را صحنه کنم) . او بدینسان می آید . عذقه دارد با تا
و برضو که بیشتر آشناس . امیدوارم ملاقات خوبی باشد . مهدی از نسل
قدما تا ن فدائی است . و شما الهی عشق و محبت . این تیران به دیدن الهی چنین می آید
در اجتمه چنین ملامت به بشور می آورد .

ترانه باک ، من تا او فراموشیست بر یا او اولی التبریه آنجا . این قرار همی است
صحنه مدارکم را در دست دارم . رفیق فتاح پور شفاهاً ما را بیشتر در جوانی و نذارند . بعد از آن به نوبت
فخام درنت که تا به سال همدگر را بنشینم . در این مدت به بر ایم از نسل درجه دارد . امیدوارم
بر به تا ، این زمان انطباع داشته ، بشد . هر ظاهم ؛ برضو ، از نزدیک آشناسم . به راهنما آدمی
از نسل اقیاج دارم . که کار تحقیق در دست دارم که ضمیمه توانم از نسل تک تک میگیریم .

به امید دیدار . سالم جان و پیرزاده

۲۴ مرداد ۱۳۶۷ ۲۴.۵.۵۵

این نامه دهنه در هفت روزگی شماره ۲۰ ضمیمه است
شعر غزال در تنس در صحنه بازی خوب شده است
نقاشی زن زنده ای به رسم از آنجا که کانی نقاش
جوان است که از نسل کارآفرینان کرم و در انطباع
بشرف تا به خوب رسید .